

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۶/۲۸

صفحات: ۱۶۰-۱۴۱

جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی

با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی

مظاهر خواجهوند

عضو هیات علمی گروه حقوق، واحد نوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، نوشهر، ایران.

مینا جعفری*

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

یکی از معضلات مقابله با تروریسم اختلاف‌نظر در خصوص مفهوم و ماهیت این پدیده است. عناصر تشکیل‌دهنده تروریسم مورد وفاق جهانی نبوده و همین امر سبب برداشت‌های مختلف از تروریسم و در نتیجه عدم هماهنگی در مقابله با آن شده است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح می‌شود، این است که ویژگی‌ها و عناصر مورد تأکید در جرم تروریسم کدامند؟ در تعریف جرائم تروریستی انگیزه در حقوق ایران در مقایسه با اسناد بین‌الملل چه جایگاهی دارد؟ مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. نتایج تحقیق بیانگر این امر است که خشونت نظام‌وار، انگیزه (ایدئولوژی)، سازماندهی و فقدان مشروعیت مهمترین ویژگی‌های جرم تروریسم است. در اسناد بین‌المللی از جمله تعریف مجمع عمومی سازمان ملل از تروریسم، بر انگیزه به‌عنوان یکی از ویژگی‌های تروریسم یاد شده است، اما در حقوق کیفری ایران، اساساً عنوان مجرمانه مستقلی برای تروریسم پیش‌بینی نشده و تأکید بر خشونت نظام‌وار علیه نظم و امنیت عمومی و مقابله با حکومت و ایجاد رعب و وحشت عمومی تلقی از تروریسم است. در حقوق کیفری ایران، تروریسم عمدتاً تحت عنوان محاربه رسیدگی می‌شود. تروریسم در اسناد بین‌الملل و یا به‌عنوان یک جنایت بین‌المللی فی‌نفسه تلقی شود.

واژگان کلیدی: انگیزه، ایدئولوژی، تروریسم، حقوق ایران، اسناد بین‌المللی.

مقدمه

پدیده تروریسم چالش جدیدی را برای کشورها ایجاد کرده است. این پدیده همچنین سبب نقض حقوق بشر، مشروعیت بین‌المللی و موازین حقوقی بین‌المللی از یک سو، و قوانین عرفی از سوی دیگر شده است و کشورها را وادار کرده است با برگزاری بسیاری از کنفرانس‌های بین‌المللی جهت رسیدگی به این پدیده و محدود کردن گسترش افکار افراط‌گرایانه بپردازند و کنترل و نظارت مالی خود را بر روی منابع مالی و سپرده‌ها و همچنین، بر کمک‌های مالی که به داخل و خارج از کشور به شرکتها، افراد، سازمانهای خیریه، سازمانهای منطقه‌ای و بین‌المللی حواله می‌شوند، افزایش دهند. تروریست‌ها به حدی قوی شده‌اند که نه در سطح ملی که در سطح فراملی نظم موجود را به چالش طلبیده‌اند و یکی از اساسی‌ترین مشکلات روابط بین‌المللی به شمار می‌روند. حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا موجب تحولات حقوقی جدیدی شده است و بعضی از دول، سیاست عدالت محوری را به سیاست امنیت محوری تغییر داده‌اند و افزون بر تهدیدهای امنیتی ناشی از تروریسم فراملی، تروریسم فراملی چالش‌های جدی و مسائل مهمی را نیز در نظام حقوقی مبارزه با تروریسم بوجود آورده است. مقابله با تروریسم نوعی همکاری فراملی را می‌طلبد، اما مشکل اساسی اینجاست که درک و تعریف یکسانی از تروریسم وجود ندارد. (کوشا و نمایان، ۱۳۸۷: ۲۳۵)

علاوه بر این، تشخیص جرائم تروریستی از جهات مختلف اهمیت دارد. با توجه به اینکه جرائم تروریستی با جرائم سیاسی مشابهت‌هایی دارند و از سوی دیگر، جرائم سیاسی از قواعد مربوط به استرداد مجرمان استثنا شده‌اند، برخلاف جرائم تروریستی که مشمول قواعد استرداد هستند، تشخیص جرائم تروریستی می‌تواند برای اعمال استرداد در حق مجرمان این جرائم بسیار مفید و تعیین‌کننده باشد. در ماده ۱۱ کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروریستی مصوب سازمان ملل، جرائم تروریستی از شمار جرائم سیاسی خارج شده‌اند تا در خصوص استرداد مجرمان تروریستی از حمایت مربوط به عدم امکان استرداد مجرمان سیاسی برخوردار نباشند. (حماد، ۱۳۷۸: ۳۵-۲۳)

همچنین، تشخیص جرائم تروریستی به منظور جبران خسارت و ترمیم ضرورت دارد. از آنجاکه در حقوق بسیاری از کشورها به‌ویژه آن دسته از کشورهایی که تروریسم را به صورت مستقل جرم‌انگاری نموده‌اند، جبران خسارت برای قربانیان جرائم تروریستی دارای مقررات و قواعد شکلی و ماهوی خاصی است. از این رو، تشخیص جرائم تروریستی می‌تواند قربانیان این دسته از جرائم را از امتیازهای بیشتری برخوردار نماید. علاوه بر این، تشخیص جرائم تروریستی به منظور تعیین دادگاه صالح مهم است. در بسیاری از سیستم‌های آئین دادرسی مانند نظام دادرسی ایران رسیدگی به این دسته از جرائم در صلاحیت دادگاه‌های ویژه رسیدگی به جرائم

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ❖
امنیتی است. البته، در صورتی که متهم نظامی باشد، رسیدگی به اتهام این دسته از جرائم در صلاحیت دادگاه نظامی خواهد بود. بر اساس آنچه گفته شد، انگیزه در تعریف جرائم تروریستی در حقوق ایران و مقایسه با اسناد بین‌المللی چه جایگاهی دارد؟ در راستای بررسی و پاسخ به سؤال مورد اشاره، ابتدا

۱- تعریف تروریسم و عناصر آن

در این قسمت تروریسم و عناصر آن بررسی می‌شود.

۱-۱- تعریف تروریسم

استفاده سیستماتیک از ترور به منزله نوعی سیاست ساده‌ترین و نخستین تعریفی بود که از تروریسم وارد فرهنگ لغت‌های انگلیسی شد. (77: 199, Crenshaw) در سال ۱۷۹۸ بود که چنین اتفاقی رخ داد. در این مقطع زمانی و بعد از آن تروریسم محدود به موارد خاص بود، اما با گذشت زمان و سرعت روند دموکراسی سازی جوامع و کشورها، ترور از جایگاه نسبتاً محدودش خارج و دامنه آن نیز گسترش پیدا کرد. در این شرایط، تروریسم مردم عادی را نیز شامل شد، به نحوی که امروزه در بسیاری موارد مردم بی‌گناه به طور تصادف به عنوان ابزاری برای رسیدن به یک هدف تروریستی انتخاب می‌شوند.

عموم مردم تروریسم را به عنوان روشی خشونت‌آمیز شناخته‌اند که برای ایجاد فضای رعب و وحشت به منظور نیل به اهداف سیاسی از طریق توسل به زور نسبت به گروه یا دولت مورد نظر برای تن دادن به اهداف و مقاصد مهاجمان به کار گرفته می‌شود. تروریسم اغلب تأثیر بسیار چشمگیر داشته، با هزینه بسیار اندک در پیگیری راهبردهای سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مجموعه‌ای بسیار وسیع از اقدامات ناهنجار و متضاد را از قبیل رفتاری که به طریق دیگر اقدام کیفری عادی تلقی می‌شود، تحت پوشش خود قرار می‌دهد. (Rene 239-240, beres, 1995-pp). هنوز اتفاق نظر در خصوص تعریف تروریسم حاصل نشده که آیا باید کلیه اقدامات خشونت‌آمیز همراه با انگیزه سیاسی و مولد ترس و اضطراب را اقدامات تروریستی قلمداد نمود یا خیر.

یکی از جامع‌ترین تعاریف آکادمیک از تروریسم که مکرراً نقل شده، تعریف آلکس پ. اشمیت می‌باشد. او در کتاب مشهورش «تروریسم سیاسی یک راهنمای تحقیقی» که در سال ۱۹۸۴ منتشر شد، ۱۰۹ تعریف مختلف و متفاوت را بین سالهای ۱۹۳۶ تا ۱۹۸۱ مورد شناسایی قرار داده است و در نهایت، نتیجه می‌گیرد که: «تروریسم شیوه اقدامات تکراری به منظور ایجاد دلهره و رعب و وحشت است که به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی و یا سیاسی توسط گروه‌های

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———
مختلف به کار گرفته می‌شود.» (به نقل از فیرحی و ظهیری، ۱۳۸۷: ۱۴۹-۱۴۶) درباره این
تعریف چند ایراد مطرح است: ۱- تروریسم «شیوه» نیست، بلکه خود عمل است. بنابراین، بهتر
است واژه شیوه حذف شود. ۲- اگر انگیزه تروریسم جنایی باشد یا سلیقه‌ورزی، در این صورت
چه تفاوتی با جرائم عادی دارد؟ به علاوه، بهتر بود به جای عبارت «به دلایل سلیقه‌ورزی، جنایی
یا سیاسی»، از این عبارت استفاده می‌شد: «به هر انگیزه‌ای»، زیرا ذکر این سه مورد ممکن
است چنین توهمی را به وجود آورد که ترور باید تنها به سه انگیزه‌یاد شده منحصر باشد، در
حالی که به ظاهر مقصود نویسنده این بود که اساساً در ارتکاب این جرم انگیزه هیچ تأثیری
ندارد.

«ژیلبر گیوم»، حقوقدان فرانسوی، بر اساس تحقیقات اشمیت، بر این باور است که اقدامی
مجرمانه را نمی‌توان تروریستی قلمداد کرد، مگر سه شرط در آن جمع باشد: ۱- ارتکاب برخی
افعال خشونت‌آمیز به گونه‌ای که قتل یا صدمات جسمانی مهم را به وجود آورد. ۲- قصد معین یا
طرح هماهنگ فردی یا جمعی برای ارتکاب افعال مذکور ۳- قصد غایی: ایجاد رعب و وحشت
میان شخصیت‌های معین، گروه، اشخاص یا در میان عموم مردم. (Guillaume, 1989-: 119: 215).
برخی حقوقدانان ایرانی نیز تروریسم را در جمله کوتاهی چنین تعریف نموده‌اند:
«قصد ایجاد رعب و وحشت برای رسیدن به مقاصد خاص». (اردبیلی، ۱۳۸۱: ۱۲۱) و برخی
دیگر نیز تروریسم را این گونه تعریف کرده‌اند: در اصطلاح به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که با
توسل به شیوه‌های خشن، غیرمتعارف، غافلگیرکننده، جان و مال و امنیت عمومی را در معرض
تهدیدات جدی قرار داده و موجب ایجاد ترس و وحشت عمومی می‌شوند. (شاملو، ۱۳۸۱: ۱۵۲)
دیدگاه اندیشمندانی چون نوام چامسکی هم تقریباً با این تعریف از تروریسم همخوانی دارد.
نوام چامسکی در مقاله‌ای تحت عنوان مفهوم تروریسم چنین می‌نویسد: «بیش از ۲۵ سال است
که من درباره تروریسم مطلب نوشته‌ام. از زمانی که دولت ریگان جنگ علیه تروریسم را اعلام
کرد تا به امروز که توسط دولت بوش این جنگ ادامه می‌یابد، در تمامی تعابیر و تعریف‌هایی که
برای تروریسم به کار برده‌ام، سعی کرده‌ام که تعریف رسمی این پدیده را از سوی آغازکنندگان
جنگ علیه تروریسم در نظر بگیرم و این پدیده را دورتر از تعریف این افراد به کار نگرفته‌ام.
یکی از تعریف‌های رسمی درباره تروریسم می‌گوید: «کاربرد عمدی خشونت یا تهدید به اعمال
آن برای دستیابی به اهدافی که ماهیت سیاسی، مذهبی یا عقیدتی دارند. این امر از طریق اعمال
زور یا ایجاد ترس و وحشت انجام می‌گیرد و بیشتر غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهد». وی در
ادامه به تعریف ارائه‌شده از دولت انگلیس اشاره می‌کند و می‌نویسد: «تروریسم عبارت است از
اعمال زور یا تهدید به اعمال خشونت‌آمیز، مخرب و به‌هم‌زننده آرامش که به منظور تأثیرگذاری
بر حکومت یا ارباب عمومی به کار گرفته می‌شود که به هدف بهره‌برداری‌های سیاسی، مذهبی

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی...^۵
یا عقیدتی صورت می‌گیرد». (آبرم، ۱۳۸۸: ۵۷۴)

در تعاریف مورد استفاده نوام چامسکی عملاً بر این موضوع تأکید می‌شود که حملات تروریستی می‌تواند انگیزه‌های مختلف داشته باشد؛ انگیزه‌هایی که ممکن است سیاسی، مذهبی یا مذهبی و عقیدتی باشند. هرچند هدف در انگیزه‌های مختلف، همان تأثیرگذاری یا کسب قدرت است.
در ادامه به تبیین عناصر تروریسم پرداخته می‌شود.

۱-۲- عناصر تروریسم

همان‌گونه که اشاره شد، تروریسم دچار نوعی آشفتگی معنایی است. در این زمینه «گران‌ت وارد لاو» معتقد است «همه ما از ترور و گذشته‌های فرهنگی و شخصی‌مان تصورات متفاوتی داریم که این امر، ذهنیت‌ها و در نهایت تعریفمان را در خصوص تروریسم می‌سازد.» (Wardlaw, 1984: 118) با این حال، با بررسی تعاریف موجود از تروریسم می‌توان بر چند مؤلفه مهم و بنیادی که در عموم تعاریف از تروریسم وجود دارد، به عنوان عناصر اصلی مفهوم تروریسم انگشت گذاشت. این عناصر عبارتند از: نخست اینکه، تروریسم با خشونت یا تهدید به استفاده از خشونت همراه است؛ دوم اینکه، تروریسم با یک انگیزه خاص و البته، با هدف سیاسی صورت می‌گیرد. (در این خصوص لازم است میان انگیزه و هدف تفاوت قائل شد)؛ سوم، تروریسم بر پایه یک عقلانیت سودمحور استوار است؛ چهارم، تروریسم دارای پیام و تأثیرگذاری است. بر اساس آنچه گفته شد، خشونت نظام‌وار، انگیزه، سازماندهی، کنشگران و مشروعیت از مؤلفه‌های تروریسم هستند. در زیر، هر یک از این عناصر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱- خشونت نظام‌وار

تروریسم با خشونت همراه است. نمی‌توان از تروریسم سخن گفت، اما از خشونت نرفته در آن چیزی نگفت. خشونت جزء لاینفک تروریسم است، اما خشونت صرف به تروریسم منجر نمی‌شود. به عبارت دیگر، به هر خشونتی تروریسم گفته نمی‌شود. خشونت مورد نظر باید دارای مشخصه تکرار بوده و به صورت نظام‌مندی روی دهد.

بسیاری از اشکال خشونت دارای شباهت‌های جدی با تروریسم است. ممکن است خشونت فردی از نظر روش‌های اعمال، داشتن آثار و برانگیختن احساس ترس و وحشت با تروریسم شباهت داشته باشد؛ زیرا نوعی ترور و وحشت را در بطن خود همراه دارند، اما از آنجاکه

^۱- Gerant Wardlaw

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———
تکرارناپذیرند، شمولیت مفهوم تروریسم را ندارند. این خشونت نظام وار است که تروریسم را از خشونت فردی متمایز می‌کند.

در خشونت‌های موردی، بهره‌گیری برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند از ترس و وحشت ایجاد شده، مد نظر نیست. ممکن است به دلایل مختلف به خشونت دست زده شود، بدون اینکه هدف از خشونت ایجاد رعب و وحشت و بهره‌گیری از آن باشد؛ اما در تروریسم این گونه نیست. هدف اصلی بهره‌گیری از ترس و وحشت حاصله است و این زمانی میسر است که خشونت تکرار شود و به صورت نظام‌مند رخ دهد؛ مثلاً درگیری مسلحانه اتفاقی در ایستگاه مترو و یا حمله به یک بانک و یا بنگاه مالی در نقطه مهم و شلوغی از شهر قطعاً رعب و وحشت عده‌ای را به دنبال دارد، اما چون از یک الگوی نظام‌مند پیروی نمی‌کند، نمی‌توان آن را تروریسم نامید.

۱-۲-۲- انگیزه

انگیزه، یکی از شاخص‌های مهمی است که تروریسم به وسیله آن تعریف می‌شود. این سؤال همیشه یکی از پایه‌های ثابت مباحث مربوط به تروریسم بوده است که چرا تروریست‌ها به تروریسم روی می‌آورند. اهمیت انگیزه در تروریسم به این دلیل است که این متغیر نیز تروریسم را از دیگر اشکال خشونت جدا می‌سازد. تفاوت تروریست‌ها با باند‌های جنایتکار مافیا در انگیزه آنهاست. تروریست‌ها و گروه‌های مافیا هر دو در دست زدن به جنایت، ایجاد رعب و وحشت و خشونت نظام وار اشتراک دارند، اما انگیزه آنها یکی نیست. باند‌های مافیا معمولاً به دنبال سود اقتصادی بوده و معمولاً انگیزه‌ای جز حرص و طمع اقتصادی ندارند، اما تروریست‌ها ممکن است اهداف مالی را در مقطعی از اقداماتشان دنبال کنند، ولی انگیزه اصلی آنها واداشتن مراکز قدرت سیاسی به امتیازدهی است.

همان‌گونه که در بحث تعریف تروریسم در خصوص تفاوت میان انگیزه و هدف در تروریسم گفته شد، واداشتن دولت‌ها یا گروه‌ها به کنش سیاسی مورد نظر ممکن است به منظورهای خاص مذهبی، اجتماعی یا کاملاً سیاسی صورت گیرد. برخی گروه‌های تروریستی ممکن است در حملات تروریستی‌شان انگیزه‌های اجتماعی خاص داشته باشند؛ آن گونه که یکی از فرستادگان به مذاکرات صلح بین دولت مکزیکی و گروه «زاپاتیستا»^۱ در فوریه ۱۹۹۴ خاطرنشان می‌کند: «ما به منظور کسب احترام و شأن و مقام خود می‌جنگیم... آنچه بیش از هر چیز ما را می‌رنجاند، ناتوانی برای بیان احساسات و تقاضاهایمان است. بگذارید این مطلب را روشن سازم که ما برای شأن خود به‌مثابه یک سرخپوست می‌جنگیم و بدین لحاظ در معرض بدنامی قرار

^۱ - Zapatista

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ❖
نمی‌گیریم.» (Collier, 1994: 143.)

امروزه بخش مهمی از تروریسم موجود در سطح بین‌الملل با انگیزه‌های اجتماعی چون مفهوم «هویت» شکل گرفته است. تروریسم کنونی نتیجه تقابل و تعارض یک خرده‌فرهنگ با فرهنگ مسلط یا در حال استیلا است. آنچه به این موضوع شدت بخشیده، فرایند جهانی شدن است. جهانی شدن به دلیل اینکه در حال همگان‌سازی فرهنگ غربی و ادغام خرده‌فرهنگ‌های مختلف در این فرهنگ است، سبب تنش‌های فرهنگی شدیدی در جوامع غیرغربی شده است. در این میان، فرهنگ مذهبی خصوصاً در خاورمیانه بیشترین حساسیت و تنش با فرهنگ غربی داشته است، زیرا بیشترین تهدید را متوجه خود می‌بیند. در قسمت جهانی شدن و تروریسم بیشتر به این موضوع پرداخته شده است.

۱-۲-۳- سازماندهی

آنچه زمینه تداوم و تکرار خشونت را فراهم می‌کند، وجود تشکیلات هدایت شده و تحت کنترل است. در خصوص تروریسم نیز این چنین است. عاملان تروریسم چنانچه پایگاه و سلسله‌مراتب تعریف‌شده‌ای نداشته باشند، قادر به رشد نبوده و زود از بین می‌روند. اصولاً یکی از متغیرهایی که از شروط لازم برای تروریسم نامیدن خشونت محسوب می‌شود، سازماندهی است. پرواضح است که سازماندهی پدیده نوینی نیست. در تروریسم سنتی نیز نوعی سازماندهی به چشم می‌خورد. ایقا گروه‌های تروریستی منوط به سازماندهی این گروه‌هاست. در واقع، گروه‌ها نیز مانند دولت‌ها برای ادامه فعالیت‌های تعریف‌شده، در سطحی به مراتب پایین‌تر نیازمند نوعی سازماندهی گروهی‌اند.

در سال‌های اخیر، تغییرات اساسی در مفهوم سازماندهی به وجود آمده است که عملاً ره‌آورد جهانی شدن برای گروه‌های تروریستی است. تروریسم در سطح بین‌الملل توانسته از شبکه‌ای شدن ارتباطات افراد در سطح بین‌المللی بهره‌برد. طی این فرایند نوعی سازماندهی البته، غیر سلسله‌مراتبی که پیش از این وجود داشت، میان اعضا یا هسته‌های تشکیل‌دهنده به وجود می‌آید.

اطلاعات عنصر اصلی ساختار اجتماعی دنیای امروز به شمار می‌رود و جریان پیام‌ها و تصاویر بین شبکه‌ها، ستون فقرات این ساختار اجتماعی را شکل می‌دهند. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۵۵۳) شبکه، چیزی که اکنون گروه‌های تروریستی بین‌المللی به خوبی از آن بهره‌می‌گیرند، فرصتی فراهم می‌آورد تا هسته‌های مختلف یک گروه که دارای سازماندهی خاص خود هستند، به‌صورت غیرمتمرکز در نقاط مختلف فعال بوده و کمترین آسیب‌ها را متحمل شوند.

۱-۲-۴-کنشگران

یکی از مباحث مناقشه برانگیز در خصوص تروریسم کنشگران آن است. ماهیت عواملی که دست به تروریسم می‌زنند، همیشه مورد بحث و جدل بوده است. در این میان، قربانیان تروریسم کمترین توجهات را برانگیخته‌اند. در بحث عاملان تروریسم، دو کنشگر اصلی مطرح است. کنشگر نخست سازمان‌ها یا گروه‌های تروریستی است و کنشگر دوم دولت‌ها هستند. آنچه مربوط به تروریسم دولت‌هاست، موسوم به تروریسم دولتی است. این نوع از تروریسم که در بحث انواع تروریسم به شکل مفصل‌تر بدان پرداخته شده، می‌تواند به صورت‌های مختلف شکل عملیاتی به خود بگیرد. گاهی دولت‌ها خود به‌طور مستقیم وارد عمل شده و با طرح و اجرای عملیات‌های پیچیده دست به تروریسم می‌زنند و گاهی دست به تشکیل گروه‌های تروریستی تحت عناوین پوششی زده و تروریسم را هدایت می‌کنند. (Sterling, 1993:12)

اصطلاح تروریسم دولتی، اغلب برای توصیف عمل حکومت‌های گوناگون در سازماندهی مستقیم یا کمک غیرمستقیم به مرتکبان اقدامات خشونت‌بار در سایر کشورها به کار می‌رود. کارهای خشونت‌آمیز و غیرقانونی حکومت‌ها برای سرکوبی مخالفان خود و ترساندن آنان نیز در ردیف تروریسم قرار دارد که از آن به عنوان تروریسم دولتی یاد می‌شود.

۱-۲-۵-مشروعیت

یک خشونت دست آخر باید فاقد مشروعیت و وجاهت قانونی باشد. در واقع، تروریسم آن نوع خشونت است که علاوه بر مؤلفه‌های فوق‌الذکر، می‌بایست مشروع نباشد. البته، تعریف مشروعیت و قانونی بودن یا نبودن یک عمل، در ساختار قانونی هر کشور متفاوت است. باید توجه داشت که با توجه به فقدان مفسری که معیار مشروعیت و عدم آن را تعیین نماید، این معیار ذهنی‌ترین معیار در تعریف تروریسم می‌باشد.

پرواضح است که تروریسم در بسیاری از کشورها یک جنایت محسوب می‌شود و شرایط آن توسط قانون تعریف می‌گردد، اما معیارهای یک اقدام تروریستی گاهی از یک کشور نسبت به کشور دیگر متفاوت است، بنابراین نمی‌توان انتظار داشت که یک گروه تروریستی که در کشوری فعال است، از دید کشور همسایه نیز تروریست محسوب شود. حتی به دلیل عدم تعریف تروریسم در قوانین برخی کشورها، فعالیت‌های تروریستی به عنوان جرمی جزایی و کیفری تعقیب می‌شود. به عنوان مثال، «روسبه تنها سازمان‌هایی را در لیست تروریست‌ها قرار می‌دهد که بیشترین تهدید را نسبت به امنیت ملی این کشور نشان می‌دهند. بنابراین، می‌توان یکی از عوامل به نتیجه نرسیدن جامعه بین‌الملل برای تشخیص و تفکیک گروه‌های تروریستی را وجود قوانین مختلف هر یک از کشورها دانست.

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ۵

۲- جایگاه انگیزه در تروریسم در حقوق ایران

۲-۱- قصد برهم زدن امنیت کشور

بخش «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» از قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵، ماده ۹ را به اقداماتی اختصاص داده است که می‌توانند مصادیقی از اعمال تروریستی به شمار آیند؛ تشکیل یا اداره یا عضویت در دسته یا جمعیت به قصد برهم زدن امنیت کشور، تهدید به بمب گذاری وسایل نقلیه، سوءقصد به جان مقامات سیاسی، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت، آتش زدن اموال به قصد مقابله با حکومت اسلامی، خراب‌کاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت عمومی، از جمله این موارد هستند.

بر این اساس، قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در تعریف جرم «محاربه و افساد فی الارض» اشعار می‌داشت: «هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب و مفسد فی الارض می‌باشد.» ولی علی‌رغم وابستگی محاربه و افساد فی الارض، قانونگذار در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ و هماهنگ با تفسیرهای موسع گذشته از عنوان محاربه و افساد فی الارض، ضمن تفکیک این دو و تحدید عنوان مجرمانه محاربه، با برداشتی گسترده از افساد فی الارض، آن را به تنهایی جرم‌انگاری نمود. ماده ۲۶۸ قانون مزبور، در تعریف جرم افساد فی الارض بیان می‌دارد: «هر کس به طور گسترده، مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فساد و فحشا یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، نشر اکاذیب، اخلال در نظام اقتصادی کشور، احراق و تخریب، پخش مواد سمی و میکروبی و خطرناک یا دایر کردن مراکز فحشا و فساد یا معاونت در آنها گردد، به گونه‌ای که موجب اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، چه سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع گردد، مفسد فی الارض محسوب و به اعدام محکوم می‌گردد.»

جرم فساد فی الارض در قانون مجازات اسلامی مستقل از جرم محاربه دانسته شده است. اگر بخواهیم طبق این قانون جرم افساد فی الارض را تشریح کنیم، ذکر نکاتی چند لازم می‌آید: الف) ذکر عنوان «هر کس» نشان می‌دهد که مرتکب جرم افساد فی الارض اعم از زن و مرد، پیر و جوان، مسلمان و غیرمسلمان است. ب) در ماده ۲۸۴ «گسترده بودن» اعمال ارتكابی شرط لازم برای اعمال این ماده دانسته شده، لذا با یک مورد نمی‌توان این ماده را در مورد مرتکب جاری ساخت. پ) در خصوص ارتکاب جنایت علیه تمامیت جسمانی افراد، دین، جنسیت و سایر خصوصیات مجنی علیهم تاثیری ندارند. (اسدی، ۱۳۹۷: ۵۹)

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰ ———
ت) ماده مذکور پس از بیان مصادیق جرم افساد فی الارض به بیان شرط اصلی و مهم این جرم نیز اشعار نموده و آن عبارت از ایجاد اخلال شدید در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع می‌باشد.

ث) یکی دیگر از تفاوت‌هایی که بین قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ در خصوص موضوع مورد بحث به وجود آمده مربوط به مجازات جرم محاربه و افساد فی الارض است؛ به طوری که در قانون ۱۳۷۰ مجازات در نظر گرفته شده برای محاربه و افساد فی الارض (با توجه به ترادف این دو واژه در قانون مزبور) یکی از چهار مجازات: ۱- قتل ۲- آویختن به دار ۳- اول قطع دست و سپس پای چپ ۴- نفی بلد به اختیار حاکم (یا قاضی) است، در حالی که در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ با توجه به جداسازی بین دو جرم، فقط مجازات اعدام برای جرم افساد فی الارض در نظر گرفته شده است.

عامل افساد فی الارض و اصل قانونی بودن در قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ با رویکردی کاملاً متفاوت از قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ صراحتاً افساد فی الارض را از جرم محاربه تفکیک نموده است. (اسدی، پیشین، ۶۰).

به طوری که ماده ۲۷۷ را اختصاص به مهمترین رکن قانونی جرم محاربه و ماده ۲۸۴ را به عنوان تنها رکن قانونی افساد فی الارض آورده است. بر اساس تعریف مذکور، در ماده ۲۸۴ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ یکی از شرایط لازم برای تحقق جرم افساد فی الارض، «گسترده بودن» مصادیق مذکور در این ماده است. سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که چه معیاری برای «گسترده بودن» این مصادیق وجود دارد؟ آنچه مسلم است در قوانین جاریه این معیار تعیین نشده و ظاهراً به قضاوت عرف واکذار گردیده است. مرجع تشخیص بر اساس عرف نیز قضاوت دادگاهها می‌باشند که تفاسیر متعدد و معیارهای گوناگونی برای این کار خواهند داشت و در این صورت بدیهی است که اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. ایراد فوق الاشعار در خصوص عبارت «اخلال شدید» که در ماده آمده است نیز وارد بوده و معیاری برای «شدت اخلال» تعیین نشده است. در ادامه ماده از عبارت مشابهی با عنوان «ورود خسارت عمده» استفاده شده است که عمده محسوب شدن خسارت و میزان آن در عناصر قانونی لازم تعیین نگردیده که این موضوع نیز منافی با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. در نهایت، در قسمت آخر ماده عبارت «در حد وسیع» آمده که وسعت ایجاد فساد و فحشا در این ماده معین نیست که چه شاخصهای برای تشخیص ایجاد فساد و فحشا به صورت وسیع در نظر گرفته می‌شود. این موارد که به صورت فوق ذکر گردید، از عمده نکات لازم‌الذکر در خصوص کاستی های قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ مصوب

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ❖

۱۳۹۲ در خصوص افساد فی الارض در تعامل با اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌هاست. تبصره مذکور در این ماده بر گفته‌های ما در خصوص تعیین معیارهایی نظیر «گسترده بودن»، «در حد وسیع بودن»، «عمده بودن» و... بر اساس قضاوت شخصی قضات دلیل قانع‌کننده‌ای می‌باشد. بر اساس این تبصره: «هرگاه دادگاه از مجموع ادله و شواهد قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایجاد ناامنی، ایراد خسارت عمده و یا اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات انجام شده را احراز نکند و جرم ارتكابی مشمول مجازات قانونی دیگری نباشد، با توجه به میزان نتایج زیانبار جرم، مرتکب به حبس تعزیری درجه پنج یا شش محکوم می‌گردد». همانطور که مشاهده می‌شود، مرجع تشخیص معیارهای لازم برای شمول عنوان مفسد فی الارض برای مرتکب، دادگاه تعیین شده بدون اینکه ضابطه‌ای معین به عنوان رکن یا حداقل عنصر قانونی برای تشخیص دادگاهها در نظر گرفته شود.

همین کاستی در قوانین خاص نیز وجود دارد. به عنوان مثال، در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری چنین آمده است: «... و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشد، مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود». در این ماده نیز ضابطه لازم برای تشخیص اینکه آیا جرم ارتكابی مرتکبین، مصداق مفسد فی الارض می‌باشد یا نه، ذکر نگردیده است. در عوض ماده ۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، ضابطه مفسد فی الارض محسوب شدن مرتکب را چنین بیان می‌دارد: «... چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد، مرتکب در حکم مفسد فی الارض است».

لازم به ذکر است در برخی مواد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ مانند مواد ۴۹۸، ۵۰۴، ۶۷۵، ۶۸۷ و ... و نیز در قوانین متفرقه جزایی دیگر به جرایمی که بر اساس تعریف مذکور در ماده ۲۸۴ قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲، عنوان افساد فی الارض باید اطلاق شود، عنوان محاربه داده شده که بر اساس قانون مجازات مصوب ۱۳۹۲ عنوانی نادرست تلقی می‌شود، زیرا قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جرم محاربه را به صورت مستقل از جرم افساد فی الارض تعریف و شرط تحقق آن را «دست بردن به اسلحه و ایجاد رعب و هراس» دانسته است، در حالی که عنوان «محاربه» مذکور در کتاب پنجم قانون مجازات با تعریف یاد شده در ماده ۲۷۷ تعارض و منافات دارد. در این موارد نیز ضروری است که این عناوین اصلاح شده و از عنوان محاربه خارج گردد.

جرم محاربه و افساد مستقیماً به جرائم بیوتروریستی دلالت ندارد، اما از آنجاکه رعب وحشت از طریق دست بردن به اسلحه مورد تأکید است و در تروریسم حمله تروریستی از طریق سلاح‌های شیمیایی یا میکروبی انجام می‌شود، لذا می‌تواند یکی از مصادیق محاربه یا افساد

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

فی الارض تلقی شود. ماده ۲ قانون حمل اسلحه، مقصود از سلاح و مهمات انواع سلاحهای گرم و سرد جنگی و شکاری اعم از گلوله‌زنی و غیرگلوله‌زنی و مهمات مربوط به آنها است. سلاح‌های شیمیایی می‌تواند مصادیقی از سلاح‌های غیرگلوله‌زنی باشد.

اعمال تروریستی می‌توانند دو وجه داشته باشند: یکی، ارتکاب رفتار تروریستی و دیگری، تهدید به آن؛ چرا که تهدید به اعمال خشونت‌آمیز نیز می‌تواند موجب سلب امنیت در جامعه گردد. ماده ۵۱۱ قانون «تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده» مصوب ۱۳۷۵، اشاره‌ای دارد به رفتاری که شباهت‌هایی با تهدید به خشونت در تروریسم دارد. این ماده بیان می‌دارد: «هر کس به قصد بر هم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب‌گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب‌گذاری شده است، علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌گردد.» روشن است که علی‌رغم وجود عنصر تهدید به بمب‌گذاری برای برهم زدن امنیت و تشویش اذهان عمومی، این رفتار مجرمانه را نمی‌توان با اعمال تروریستی همراه با تهدید، یکی دانست؛ چرا که لزوماً قصد بر هم زدن امنیت و تشویش اذهان عمومی، همواره همراه با انگیزه‌ی مقابله با اصل نظام جمهوری اسلامی ایران به‌مثابه‌ی یکی از ارکان جرم تروریستی نیست. بنابراین، این ماده با وجود نزدیکی و شباهت با برخی از اعمال تروریستی، به‌هیچ‌روی نمی‌تواند مبنایی برای مبارزه‌ی مؤثر با تروریسم باشد.

الف) تبانی برای برهم زدن امنیت

بخش قابل‌توجهی از جرائم علیه امنیت به جهت اهمیت بسیار آن، جزء جرایمی هستند که نیازی به تحقق نتیجه نداشته و به اصطلاح «جرائم مطلق» محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر، صرف آغاز یا تصمیم مرتکبان آن قابل مجازات خواهد بود. از جمله مهم‌ترین این گونه از جرائم، «جرم اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت» است. ماده ۶۱۰ قانون تعزیرات و مجازات بازدارنده در تعریف جرم تبانی اشعار می‌دارد: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد، به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد.» همچنین، ماده ۶۱۱ این قانون نیز بیان می‌دارد: «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که علیه اعراض و نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند، ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند، حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.» جرم مزبور نیز از جمله جرایمی است که شباهت‌های بسیاری به جرائم تروریسم دارد، چرا که هر گروه یا سازمان تروریستی نیز در مراحل ابتدایی تشکیل و تا قبل از

جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ❖
موفقیت در ارتکاب اقدام تروریستی، یقیناً دست به برنامه‌ریزی و تئانی برای انجام عمل ضد امنیتی خود خواهد زد. لذا، عمل آنها در این مرحله قابل تطبیق با جرم مذکور در این مواد خواهد بود، ولی باز مطابق سخن پیش گفته این مواد نیز حتی در کنار سایر جرائم بررسی شده در بالا، توانایی مقابله‌ی مؤثر با تروریسم را نخواهد داشت و فقط با بخش یا مصادیق اندکی از آن، قدرت مقابله دارند.

ب) خراب کاری در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی به منظور اخلال در نظم و امنیت عمومی

تبصره ۱ ماده ۶۸۷ این قانون همانند ماده ۶۷۵، و با اعمال یک ضابطه‌ی ذهنی، (همان، ص ۲۰۴) مجازات اعمال مذکور در متن ماده را در صورتی که «به منظور اخلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی» باشد را محاربه منظور کرده است. این ماده اشعار می‌دارد: «هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه‌های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله‌کشی و نیروگاه‌های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات و دستگاه‌های تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین، در علائم راهنمای و رانندگی و سایر علائمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تأمین تأسیسات فوق در شوارع و جاده‌ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خراب‌کاری دیگر شود، بدون آنکه منظور او اخلال در نظم و امنیت عمومی باشد، به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد». در خصوص نزدیکی و شباهت رفتار مورد اشاره در این ماده با اعمال تروریستی، باید گفت اگرچه تروریست‌ها می‌توانند برای رسیدن به مقاصد خود دست به این رفتارها بزنند، ولی نوع مجازات در نظر گرفته شده، مشابه ماده ۶۷۵، نمی‌تواند صحیح و قابل انطباق با تروریسم باشد.

۲-۲- سوء قصد به جان مقامات سیاسی

نخستین ترورهای واقع شده عبارت بودند از تعرض به تمامیت جسمانی افراد صاحب نفوذ در حکومت‌ها مانند شاهان، وزرا و امرای ارتش، به طوری که می‌توان این گونه اقدامات را اعمال تروریستی کلاسیک نام نهاد. به هر حال، حذف فیزیکی افراد با انگیزه‌های سیاسی از گذشته‌های دور تاکنون یکی از مهمترین شیوه‌ها و مصادیق تروریسم بوده است. (مرعشی، ۱۳۸۱: ۳۹) قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب سال ۱۳۷۵ در ماده ۵۱۵، به پیروی از

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

قوانین گذشته^۱ در این رابطه مقرر نموده: «هر کس به جان رهبر و هریک از مراجع بزرگ تقلید، سوءقصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود، به حبس از سه ماه تا ده سال محکوم خواهد شد. همچنین، ماده ۵۱۶ همین قانون در ادامه ابراز می‌دارد: «هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سوءقصد نماید، به مجازات مذکور در ماده ۵۱۵ محکوم می‌شود.» همان طور که مشاهده می‌شود، اگرچه با توسل به این دو ماده می‌توان اشخاصی را که از طریق اعمال تروریستی، به جان مقامات سیاسی عالی‌رتبه داخلی و خارجی سوءقصد نموده‌اند، به مجازات رساند، ولی نمی‌توان از طریق آن یک سیاست کیفری منطقی و بازدارنده را بر علیه گونه‌های مختلف تروریسم ترتیب داده و به کنترل و ریشه‌کنی آن دل بست.

۲-۳- آتش زدن اموال به قصد مقابله با حکومت اسلامی

بر اساس تبصره ۱ ماده ۶۷۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده سال ۱۳۷۵، و با اعمال یک ضابطه ذهنی (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۵: ۱۹۵)، در صورتی که اعمال مذکور در ماده به قصد مقابله با حکومت اسلامی وقوف یابند، فرد مرتکب محارب محسوب خواهد شد. بنابراین، «هر کس عمده عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ‌های متعلق به دیگری را آتش بزند» و قصد وی نیز از این اعمال «مقابله با حکومت اسلامی» باشد، محارب محسوب می‌شود. این جرم نیز با توجه به قصد و نیت مقابله با نظام جمهوری اسلامی ایران، و رعب و وحشتی که می‌تواند در میان جامعه ایجاد نماید، از جمله جرایمی است که شباهت و هم‌پوشانی با اعمال تروریستی دارد. ولی از آن جایی که ماده مزبور مرتکب را محارب محسوب نموده، نمی‌توان آن را جرم تروریستی به شمار آورد، چرا که همان گونه که بیان شد (مرعشی، پیشین: ۹۵)، مفهوم محاربه به جهت عدم نیاز به وجود قصد و انگیزه‌ی سیاسی یا مقابله با حاکمیت سیاسی، با جرایمی تروریستی تفاوت دارد.

۳- جایگاه انگیزه در تعریف تروریسم در اسناد بین‌المللی

پویا بودن مفهوم تروریسم سبب شده تا در دوره‌های زمانی و موقعیت‌های مختلف، مفهوم تروریسم به صورت‌ها و اشکال متفاوتی تعریف شود. بر همین اساس، نزدیک به دو قرن لازم بود تا این تعریف از تروریسم ارائه شود: هر نوع کاربرد یا تهدید به استفاده از خشونت

^۱ - ماده ۸۰ قانون مجازات عمومی سابق در این خصوص بیان می‌داشت: «هر کس سوء قصد به حیات رئیس مملکت نماید و پس از شروع به علی که خارج از اراده مرتکب است، بلااثر بماند، جزای او حبس با اعمال شاقه از ده تا پانزده است. اگر به واسطه سوء قصد جراحی به رئیس مملکت وارد آید که منجر به فوت نشود، جزای مرتکب حداکثر مجازات مذکور است.»

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ♦

غیرقانونی، به منظور ایجاد جوّ رعب و وحشت، برای تحت تأثیر قرار دادن یا تسلط بر فرد یا مجموعه‌ای از افراد و یا کل جامعه. این کار برای دستیابی به هدف مشخصی که شخص اعمال‌کننده‌ی خشونت در نظر دارد، انجام می‌گیرد. (Morris, 1987: 27) در تعریف فوق چند مؤلفه مورد اشاره قرار گرفته است: مؤلفه نخست، استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت است. بر این اساس صرف تهدید به استفاده از خشونت نیز تروریسم محسوب می‌شود. عنصر دوم، خشونت غیرقانونی است. در حقیقت، خشونتی که از سوی دولت در داخل یک کشور بر شهروندان اعمال می‌شود را شامل نمی‌شود. در چنین شرایطی منظور از خشونت غیرقانونی، خشونتی است که از سوی گروه‌های مخالف نظم موجود صورت می‌گیرد. مثلاً اینکه عده‌ای با هدف برهم زدن نظم و امنیت عمومی دست به سلاح می‌برند. سوم، ایجاد فضای ترس و وحشت است. در واقع، خشونت مورد اشاره باید با هراس همراه باشد. دست آخر، تأثیرگذاری است. خشونت باید جدی گرفته شود، بدین معنی که واکنش‌ها را برانگیزد. نکته مهم اینکه در تعریف حاضر، هدف از اعمال خشونت غیرقانونی «تحت تأثیر قرار دادن یا تسلط بر فرد یا مجموعه‌ای از افراد و یا کل جامعه» ذکر شده است. بر این اساس، «تحت تأثیر قرار دادن» یا «تسلط» دو هدف اصلی تروریسم محسوب می‌شوند، یعنی تروریست‌ها با دست زدن به حملات تروریستی دو هدف دارند: نخست اینکه تأثیرگذار جلوه کنند و دوم اینکه بتوانند بر فرد، جامعه یا بخشی از آن تسلط پیدا کنند.

در تعاریف از تروریسم به شکل‌های مختلف به مقوله اهداف پرداخته می‌شود. «استفاده غیرقانونی یا تهدید به کاربرد زور یا خشونت بر ضد افراد یا اموال برای مجبور کردن یا مرعوب ساختن حکومت‌ها یا جوامع که اغلب به قصد دستیابی به اهداف سیاسی، مذهبی یا ایدئولوژیک صورت می‌گیرد. (طیب، ۱۳۸۲: ۱۹) تعریفی است که وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۰ از تروریسم ارائه کرده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، در این تعریف، تأکید ویژه‌ای بر دلایل و اهداف تروریسم شده و علاوه بر اهداف سیاسی، اهداف مذهبی یا ایدئولوژیک نیز از دلایل تروریسم ذکر شده است. با این حال، برخی منابع در تعریف، تروریسم هدف از تروریسم را به دلایل سیاسی محدود می‌کنند. دانشنامه «بریتانیکا» از این دست منابع است. این دانشنامه تروریسم را این‌گونه تعریف می‌کند: «کاربرد سیستماتیک ارعاب یا خشونت پیش‌بینی‌ناپذیر بر ضد حکومت‌ها یا افراد برای دستیابی به یک هدف سیاسی».^۱

تعریف انتشارات دانشگاه کلمبیا در سال ۲۰۰۴ درباره تروریسم نیز درخور تأمل است. بر

^۱ -The New Encyclopedia .vole 11 .Britannica(1986) Micropaedia.

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰

اساس این تعریف، تروریسم عبارت است از: «کاربرد غیرقانونی یا بهره‌گیری تهدیدآمیز از نیرو یا خشونت فردی و یا گروهی سازمان‌یافته علیه مردم با هدف ترساندن یا مجبور کردن جوامع و حکومت‌ها، اغلب به دلایل ایدئولوژیک یا سیاسی. بنابراین، تروریسم عبارتست از تهدید به، یا استفاده از خشونت بر ضد شهروندان برای دستیابی به اهداف سیاسی برای ترساندن مخالفان یا ایجاد نارضایتی عمومی.» (Baylis, 2005: 481) در تعریف انتشارات دانشگاه کلمبیا ضمن تأکید بر اهداف سیاسی و ایدئولوژیک سعی شده است اهداف غیرسیاسی نیز نادیده گرفته نشود. با این حال، در گستره تعاریف متنوع و متعدد از تروریسم تعریفی که مجمع عمومی سازمان ملل در یکی از قطعنامه‌های خود بیان می‌کند، از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس، «اقدامات جنایی که با هدف برانگیختن رعب و وحشت در میان مردم، گروهی از افراد و یا افراد خاص و با اهداف سیاسی انجام شده باشد، تروریسم تلقی شده و تحت هر شرایطی و با هر انگیزه سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک، نژادی، قومی و مذهبی که باشد، غیرقابل توجیه است.» (قطعنامه شماره ۴۹/۶۰ مجمع عمومی، مصوب ۹ دسامبر ۱۹۹۴)

در این تعریف عملاً میان هدف و انگیزه در تروریسم تمایز ایجاد شده است. بر این اساس، هدف تروریسم، سیاسی است، یعنی در نهایت همه تروریست‌ها سعی دارند به نوعی بر ساختار قدرت تأثیر بگذارند. این تأثیرگذاری می‌تواند صرفاً در راستای جلب توجه ساختار قدرت باشد یا تغییر شدید در نهایت تسلط بر آن. اما این هدف می‌تواند انگیزه‌های متفاوت، ایدئولوژیک، فلسفی، مذهبی، نژادی یا قومی داشته باشد. از این منظر، تروریسم به منظور تأثیرگذاری یا کسب قدرت سیاسی صورت می‌گیرد. در حقیقت، تلاش تروریسم کسب قدرت، تأثیرگذاری بر قدرت یا حداقل جلب توجه ساختار قدرت است؛ اما گروه‌های تروریستی ممکن است با انگیزه‌های متفاوتی که لزوماً سیاسی نیست، دست به تروریسم بزنند. یک گروه ممکن است به دلیل نابرابری‌های اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت یا احیاناً مقابله با سیاست‌های قومی نظام حاکم شاید هم تلاش برای جبران کرامت قومی‌اش به تروریسم متوسل شود. منظور از اینکه هدف تروریسم عمدتاً سیاسی است، یعنی اینکه در راستای تأثیرگذاری یا کسب توجه قدرت صورت می‌گیرد.

در ماده ۲ کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروریستی مصوب سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ در تعریف تروریسم آمده است: «کسی که مرتکب جرم مفاد مورد نظر این کنوانسیون محسوب می‌شود، در صورتی که غیرقانونی و از روی قصد بر ضد مکان‌های عمومی و یا تأسیسات دولتی و سیستم حمل و نقل عمومی و یا تأسیسات زیربنایی، مواد منفجره و یا دیگر ابزارهای کشنده را تحویل، جاسازی، تخلیه و یا منفجر نماید و قصد تسبیب و یا قصد انهدام داشته باشد.» و همچنین، شخص مجرم شناخته می‌شود در صورتی که: «به عنوان همدست (شریک یا معاون)

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ❖
در ارتکاب جرائم مقرر ایفای نقش کند و افراد که دارای هدف‌های مشترک هستند را ساماندهی کنند». علیرغم اقدامات صورت پذیرفته از سوی کمیته فوق متأسفانه به جهت عدم نیل به توافق در خصوص موارد مذکور کمیته در گزارش پایانی خود به مجمع عمومی در سال ۱۹۷۹ از ارائه تعریف تروریسم خودداری کرد.

در کنوانسیون بین‌المللی سرکوب حمایت مالی از تروریسم حمایت مالی از هر رفتاری که بر اساس معاهدات منظم به این کنوانسیون جرم تلقی می‌شود و انجام هر عملی به قصد کشتار یا ایراد صدمات جسمانی شدید به غیرنظامیان یا افسران دیگر که در عملیات جنگی، حین مخاصمات مسلحانه به صورت مؤثر شرکت نداشته باشند، مشروط بر اینکه هدف چنین اقدامی ترساندن جامعه باشد.

در قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل تعریفی جامع ارائه نکرده، اما به شیوه عمل بین‌المللی در زمینه مقابله با آن کمک کرده است. شورای امنیت حوادثی خاص را اکیداً مردود شمرده مانند: حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ ایالات متحده آمریکا، بمب‌گذاری ۱۲ اکتبر ۲۰۰۲ در بالی و انفجار قطار در مادرید در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۴.

در اتحادیه اروپا «هر کاری که باعث ایجاد رعب شدید در میان شهروندان شود یا نظم و آرامش جامعه را متزلزل سازد یا نهادهای قانونی یا سیاسی یا اقتصادی یا اجتماعی یک دولت یا یکی از سازمان‌های بین‌المللی را مختل سازد، از جمله هر گونه تجاوز بر ضد جان انسان‌ها و گروگان‌گیری اشخاص و اداره هر یک از گروه‌های تروریستی یا مشارکت در فعالیت گروه‌های تروریستی.» در شورای امنیت ملی آمریکا «استفاده غیرقانونی یا تهدیدآمیز از قدرت افراد یا دارایی آنها برای پیشبرد هدفهای سیاسی و اجتماعی»

کنوانسیون از سوی سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه مبارزه با تروریسم به تصویب رسیده و در جولای ۱۹۹۹ مورد پذیرش قرار گرفته است. در ماده یک این کنوانسیون از تروریسم و جرائم تروریستی تعریفی جداگانه ارائه شده است. در بند ۲ از این ماده در تعریف تروریسم آمده است: «تروریسم عبارت است از عمل خشونت‌آمیز یا تهدید به آن، بدون توجه به انگیزه یا قصد، که به صورت فردی یا جمعی و به منظور اجرای یک نقشه جنایی و با هدف ارعاب مردم و یا تهدید به ایراد صدمه به آنان و یا در مخاطره قرار دادن جان، حیثیت، آزادی، امنیت یا حقوق آنان و یا در معرض خطر قرار دادن محیط زیست و یا در خطر انداختن منابع ملی.» و جرائم تروریستی عبارت است از: انجام، شروع و یا شرکت در تحقق هر گونه موضوع تروریستی در هر یک از کشورهای طرف قرارداد و یا جرائمی که بر ضد اتباع آنان، دارایی‌ها و منابع یا تأسیسات بیگانه صورت گرفته و بر اساس حقوق داخلی قابل مجازات باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث مطرح شده در این تحقیق می‌توان در یک نتیجه‌گیری کلی گفت: تروریسم عبارت است از به‌کارگیری اقدامات خشونت‌بار، شدید و غیرقانونی، بر ضد جان یا مال عموم شهروندان غیرنظامی و یا بخشی از آنان یا بر ضد دولت و یا تهدید به آن به منظور ایجاد هراس عمومی. تروریسم و محاربه مفهوم یکسانی دارند و با وجود عنوان محاربه، نیازی به جرم‌انگاری تروریسم در نظام حقوق کیفری ایران وجود ندارد. تروریسم یک عنوان مجرمانه عمومی است و رفتار مجرمانه آن مصادیق مختلفی از جمله قتل و سؤ‌قصد به جان اشخاص، گروگان‌گیری، تخریب اموال، بمب‌گذاری، هواپیما‌ریایی می‌تواند باشد. تروریسم ماهیت پویایی دارد و مصادیق آن در طول زمان با تحول روبه‌رو بوده است. گسترش شیوه‌ها و ابزارهای ارتکاب جرائم تروریستی متناسب با زمان متحول شده است. سازمان‌یافتگی جرائم تروریستی، یکی از ویژگی‌های این دسته از جرائم است. برای تحقق این جرم برخلاف گذشته، نیازی به ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز نیست. تروریستها غالباً از پشتوانه‌ای فلسفی، ایدئولوژیکی، قومی، نژادی، فرهنگی و اخلاقی برخوردارند و درصدد تغییر نظام حاکمند.

یافته‌های تحقیق بیانگر این امر است که سیاست کیفری ایران در زمینه جرم‌انگاری تروریسم با نارسایی و خلاء روبه‌رو بوده و عموماً از جرائم نزدیک به تروریسم نظیر بغی و افساد فی‌الارض برای محکمه مجرمان تروریستی استفاده می‌شود. این رویکرد نیز عموماً به رویکرد امنیت‌مدار نزدیک است. سیاست کیفری امنیت‌مدار که چندان هم کارآمد و مؤثر به نظر نمی‌رسد، به نوعی حاکی از عجز و درماندگی دولت‌ها در مبارزه با چهره‌های نوین جرم‌نظیر تروریسم بوده که آن‌ها را بر آن داشت تا از این راهکار بحث‌برانگیز، به عنوان تدبیری جهت متزلزل کردن نسبی موقعیت دفاعی مرتکبین این جرائم استفاده نمایند.

_____ جایگاه انگیزه در تعریف جرائم تروریستی با مطالعه تطبیقی با اسناد بین‌المللی... ۵

منابع

الف: منابع فارسی

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۱). «مفهوم تروریسم»، تهران: مرکز مطالعات توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

- اسدی، سمیه (۱۳۹۷). امنیت ملی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (بررسی جرائم امنیتی مستوجب حد در قانون جدید مجازات اسلامی)، مجله دادرسی، شماره ۱۳۰، مهر و آبان.

- طیب، علیرضا (۱۳۸۲). تروریسم، تاریخ، جامعه‌شناسی، گفتمان، حقوق، تهران، نشر نی، چاپ اول.

- عمید زنجانی، عباسعلی؛ توکلی، سید مهدی (۱۳۸۶). حقوق بشر و کرامت ذاتی انسان در اسلام، فصلنامه حقوق، مجله‌ی دانشکده علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۷، شماره ۴، زمستان.

- فیرحی و ظهیری (۱۳۸۷) تروریسم: تعریف، تاریخچه و رهیافت‌های موجود در تحلیل پدیده تروریسم، فصلنامه سیاست، دوره ۳۸، شماره ۳.

- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). عصر اطلاعات، جلد اول، ظهور جامعه شبکه‌ای، ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران طرح نو.

- محمودی جانکی، فیروز (۱۳۹۲). فرمانروایی سیاسی و معمای توجیه جرائم علیه دولت، نظریه‌ای در باب جرائم علیه دولت، پژوهشنامه حقوق کیفری، سال چهارم، شماره ۱ (پیاپی ۷)، بهار و تابستان.

- مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۸۱). مبانی فقهی محکومیت تروریسم در اسلام، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل، مرکز مطالعات، توسعه قضایی و دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، چاپ اول.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۵). حقوق جزای اختصاصی (۳) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، نشر میزان، چاپ هفتم، زمستان.

- میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۱). تروریسم رسانه‌ای، در تروریسم و دفاع مشروع از منظر اسلام و مطالعات توسعه قضایی - دانشکده علوم قضایی و اداری، چاپ اول، تابستان.

- هاشمی، محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادیهای اساسی، تهران: نشر میزان، چاپ اول.

منابع لاتین:

- Baylis, John and Smith, Stive (2005). **The Globalization of World politics, An Introduction to international relation**, oxford: oxford Up, the

- فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال هفدهم، شماره پنجاه و چهارم، بهار ۱۴۰۰
- second edition, p; 481.
- Collier, George A. Basta (1994). **Land and the Zapatista Rebellion in Chiapas, Oakland, California**: Institute for food and development policy, p;143.
- Crenshaw, Martha ed. (1995). **terrorism in context**, p en n s t university pressp., p;77.
- Guillaume, Gilbert, (1989). "**terrorism and Internaonal and comparave law Quarterly**, no.53, pp;215- 119.
- Morris, Eric, et al., (1987). **Terrorisme: Threat and Response Houndmills**: MC Millan press, p; 27.
- Rene Beres, louis (1995). "**the meaning of terrorism trans naonal law**," no.28, pp;239- 240.
- Sterling, claive, (1993). **The Terror Network: The Secret War of International Terrorism**, new York: Holt, Rhinehart.
- Wardlaw, Grant (1984). **Political terrorism: theory, tactics and countermeasures**, Cambridge university press, p;118.